

## سیر قاعده‌سازی در حقوق بین‌الملل مالکیت فکری (چرخه‌ای از اقدامات تک‌جانبه، دوجانبه، جمعی و چندجانبه)

محمدهادی میرشمسی\*

امیر ناظری\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

### چکیده

قواعد بین‌المللی مالکیت فکری در قالب معاهدات دو یا چندجانبه در بستر زمان و در نتیجه تقابل و تعامل کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شکل گرفته است. بعد از جنگ جهانی دوم، با آغاز موج استقلال کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، قاعده‌سازی مالکیت فکری از مجرای چرخه‌ای متشکل از اقدامات تک‌جانبه، مذاکرات دوجانبه، جمعی و چندجانبه انجام شده است. این فرایند دارای سیری پلکانی است: هر کدام از این اقدامات، مقدمه‌ای برای مرحله بعد است و کشورهای توسعه‌یافته با فشارهای اقتصادی تک‌جانبه، ابتدا دول در حال توسعه را به مذاکرات دوجانبه با موضوعیت مالکیت فکری و سپس پذیرش تریپس متقاعد نمودند. در ادامه، با عنایت به نارضایتی کشورهای توسعه‌یافته از استانداردهای تریپس و اعمال فشار تک‌جانبه بر کشورهای در حال توسعه، کشورهای اخیر به استانداردها و قواعد فراتریپسی در مذاکرات تجاری دوجانبه و جمعی متعهد شدند. هر چند برخی معتقدند فرایند قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری بعد از تریپس می‌تواند مانع توسعه اقدامات چندجانبه گردد، با عنایت به کارکرد اصل ملت کامله‌الوداد می‌توان انتظار داشت با افزایش تعداد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و جمعی، استانداردهای فراتریپسی به بخش مهمی از حقوق بین‌الملل مالکیت فکری تبدیل شود و شرایط برای ارتقای سطح مذاکرات به مذاکرات چندجانبه در قالب سازمان جهانی تجارت یا واپو و نهایتاً ایجاد تریپس نوین فراهم آید. در این وضعیت ضروری است مذاکره‌کنندگان تجاری ایران با هوشمندی و آگاهی از سطح توسعه‌یافتگی کشور و اهداف کشورهای توسعه‌یافته وارد مذاکرات شوند تا منافع کشور به بهترین شکل صیانت شود.

### کلیدواژه‌گان:

موافقت‌نامه تریپس، موافقت‌نامه‌های فراتریپس، اقدامات تک‌جانبه، مذاکرات دوجانبه، مذاکرات جمعی، مذاکرات چندجانبه، اصل رفتار ملت کامله‌الوداد.

\* استادیار، دانشگاه علامه طباطبائی

mh\_mirshamsi@atu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

anazeri@ut.ac.ir



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

با وقوع انقلاب صنعتی و افزایش روزافزون اهمیت فناوری، مقوله حقوق مالکیت فکری به یکی از مهم‌ترین محورهای اصلی مناسبات تجاری و اقتصادی تبدیل شد. در اهمیت جایگاه قواعد این رشته از حقوق، همین بس که یکی از موافقت‌نامه‌های اصلی سازمان جهانی تجارت<sup>۱</sup> با عنوان موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)<sup>۲</sup> به این بحث اختصاص دارد. نظر به اهمیت اقتصادی حقوق مالکیت فکری، قاعده‌سازی<sup>۳</sup> این رشته در سطح بین‌المللی، از مهم‌ترین اولویت‌ها است؛ زیرا اموال فکری یکی از موضوعات اصلی تجارت و قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌باشند و به همین دلیل، نیاز اجتناب‌ناپذیری به حرکت به سمت نزدیک‌کردن، یکنواخت‌سازی و همسوسازی قوانین مالکیت فکری کشورها برای تسهیل روابط و مبادلات تجاری احساس می‌شود که با محوریت و موضوعیت اموال فکری انجام می‌شود. تمایل به فراهم‌آوردن بستری مناسب برای توسعه روابط تجاری بین‌المللی و حمایت از بازارهای داخلی در مقابل تجارت متقلبانانه،<sup>۴</sup> موجب فشار روزافزون صنایع داخلی کشورها، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته، بر دولت‌هایشان برای توجه به مالکیت فکری در مذاکرات و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی شده است؛ طوری که قاعده‌سازی بین‌المللی حقوق مالکیت فکری پیش از بسیاری از دیگر گزاره‌های تأثیرگذار بر زندگی تجاری و اقتصادی بشر آغاز شد و کنواسیون‌های پاریس<sup>۵</sup> در زمینه حمایت از مالکیت صنعتی و برن<sup>۶</sup> در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری به ترتیب در سال‌های ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶، یعنی سال‌ها قبل از تدوین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)،<sup>۷</sup> تصویب و لازم‌الاجرا شدند.<sup>۸</sup>

1. World Trade Organization (WTO)

2. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs)

3. Standard Setting (Norm Setting)

در این مقاله منظور از قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی تدوین قواعد حقوقی حاکم بر مالکیت فکری در سطحی فراتر از مرزهای یک کشور، خواه در قالب معاهدات چندجانبه یا موافقت‌نامه‌های دوجانبه است؛ به نحوی که قواعد داخلی کشورها در این زمینه به هم نزدیک شوند.

4. Counterfeiting Trade

5. Paris Convention for the Protection of Industrial Property (1883).

6. Burne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886).

7. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT) 1948.

8. Cottier, Tomas and Follea, Marina; Global Governance in Intellectual Property Protection: Does The Decision Making Forum Matter?, 2012, P 141.

در این مقاله، درصدد تحلیل ابعاد گوناگون جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی هستیم. این ابعاد را می‌توان در قالب چند سؤال تحلیل نمود؛ سؤالاتی از قبیل اینکه قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی در گذشته چگونه بوده و در حال حاضر چگونه است؟ این جریان در گذشته از چه خط‌مشی‌هایی تبعیت کرده است و در حال حاضر خط‌مشی آن چیست؟ به عبارت دیگر، علت رفتارهای خاص کنشگران این عرصه، یعنی قاعده‌سازان حقوق مالکیت فکری، در سطح بین‌المللی چه بوده و در حال حاضر چه چیز است؟ در واقع در تلاشیم با یافتن پاسخ این پرسش‌ها جایگاه و موقعیت کنونی این جریان را در عصر حاضر درک کنیم. به تعبیر دیگر، می‌کوشیم با شناسایی الگو و مجاری قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در گذشته، بینش بهتری نسبت به رفتار بازیگران این عرصه در عصر حاضر داشته باشیم تا کشورمان بتواند در این عرصه به نحو مقتضی نقش‌آفرینی نماید.

هدف نگارندگان از نگارش این مقاله این بوده که خط‌مشی‌ها و رویکردهای کلی قاعده‌سازی مالکیت فکری در سطح کلان را که در بطن تقابل مواضع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و در قلمرو حقوق بین‌الملل اقتصادی شکل گرفته بوده است، تحلیل کنند و بدون ورود به جزئیات و مسائل ماهوی و موضوعی، الگوهای قاعده‌سازی<sup>۱</sup> و نقطه‌عطف‌های تاریخی آن که در بطن تغییر بسترهای مذاکراتی<sup>۲</sup> نمود پیدا کرده است، مورد تحلیل قرار گیرد تا مشخص شود در عصر حاضر در چه موضع و موقعیتی هستیم و دید بهتری نسبت به وضع فعلی و آینده این حوزه از حقوق در قلمرو حقوق اقتصادی بین‌المللی داشته باشیم.

ضرورت تحقیق آنجاست که تبیین و ترسیم موقعیت قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری مستلزم شناخت سیر تکامل این حوزه بوده تا بتوانیم با تولید این ادبیات، حتی‌المقدور قدمی در راه مطالعات آینده‌پژوهانه در این حوزه داشته باشیم. مسئله این است که در دو دهه اخیر برخی صاحب‌نظران این گونه ابراز عقیده نموده‌اند که با گسترش موافقت‌نامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای فرایند قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی از چندجانبه‌گرایی فاصله گرفته و راه برای رسیدن به هدف یکسان‌سازی مقررات حقوق مالکیت فکری دشوار شده است.<sup>۳</sup> حال سؤال

1. Norm setting

2. Forum shifting

3. Lee Y.S, bilateralism under the world trade organization, 26 Nw . J. int & bus, p 371.

این است که آیا واقعاً چنین تفسیر و برداشتی از جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در دهه‌های بعد از تصویب تریپس صحیح است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش مستلزم درک و شناختی کامل از سیر تنظیم قواعد مالکیت فکری قبل از تریپس است؛ سیری که بدون شناخت آن نمی‌توان هیچ‌گونه تحلیلی از جریان حاضر و آینده این حوزه ارائه داد. از سوی دیگر، کشور ما در حال حاضر در تکاپوی تقویت روابط بین‌المللی و حتی الحاق به سازمان جهانی تجارت است. بدون شک، به منظور تحقق این اهداف، ورود به مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با سایر کشورها (با محوریت موضوعاتی مثل حقوق مالکیت فکری) کاملاً اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بنابراین شناخت پیچ و خم‌های این جریان بسیار حائز اهمیت است تا بتوان با شناخت، علم و آگاهی کامل و بینش دقیق وارد عمل شد و منافع کشور را به بهترین شکل ممکن صیانت نمود. مطالب این مقاله بر اساس یک سیر تاریخی با محوریت تریپس ارائه خواهد شد. بدین توضیح که با توجه به اهمیت تریپس به عنوان مهم‌ترین و جامع‌ترین موافقت‌نامه چندجانبه‌ای که بر اساس آن قواعد بین‌المللی حقوق مالکیت فکری تدوین شده‌اند، ابتدا باید سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری را قبل از تدوین آن و در واقع جریانی که منتهی به تنظیم این موافقت‌نامه شد، تحلیل کنیم و در گفتار بعدی به تحلیل جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری پس از تدوین آن بپردازیم.

## ۱. سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری قبل از تریپس

سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری قبل از تصویب تریپس را می‌توان به دو دوره زمانی تا آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی و از ابتدای دهه ۱۹۸۰ تا تصویب تریپس تقسیم نمود؛ در ادامه در دو قسمت به تبیین این دو دوره می‌پردازیم.

### ۱.۱. تا آغاز دهه ۱۹۸۰

سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری تا آغاز دهه ۱۹۸۰ را می‌توان به دو دوره استعمار و استقلال کشورها تقسیم نمود. در ادامه به بررسی هر یک از این دو دوره خواهیم پرداخت.

### ۱.۱.۱. دوره استعمار و استثمار کشورها (تا جنگ جهانی دوم)

به طور کلی سیر پیدایش و تکامل حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی را می‌توان به سه مقطع تقسیم نمود؛ مقطع اول به پیدایش مالکیت فکری در قرون وسطا برمی‌گردد؛ دوره‌ای که کشورهای ضعیف هیچ نقشی در آن نداشتند. دوره دوم، دوره گسترش حمایت‌های بین‌المللی از مالکیت فکری است؛ دوره‌ای که هرچند کشورهای درحال توسعه و ضعیف‌تر تا حدودی در آن نقش‌آفرینی می‌کردند، اما عملاً اثرگذاری خاصی در جهت‌دهی جریان‌ها نداشتند. دوره سوم دوره ارتباط مالکیت فکری با تجارت بوده است؛ دوره‌ای که هم‌اکنون در آن قرار داریم و کشورهای درحال توسعه در حال ایفای نقش در آن هستند.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان گفت مؤلفه اصلی قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری تا جنگ جهانی دوم نقش کم‌رنگ کشورهای ضعیف‌تر در این زمینه بوده است. می‌توان بر این عقیده بود که جریان قاعده‌سازی حقوق بین‌الملل مالکیت فکری قبل از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای سلطه‌طلب و استعمارگر انجام می‌شد. بدین توضیح که نظر به قدرت هژمونیک این قبیل کشورها، قوانین کشورهای مستعمره<sup>۲</sup> و مستمره<sup>۳</sup> که غالباً در قاره‌های آفریقا و آسیا قرار داشتند، منطبق با قوانین مالکیت فکری آنها تدوین می‌شد.<sup>۴</sup> برای مثال، قبل از استقلال مالزی، قانون کپی‌رایت این کشور به طور کامل بر اساس قانون کپی‌رایت ۱۹۱۱ انگلستان نوشته شده بود. به همین ترتیب، قانون اختراعات فیلیپین که مستعمره اسپانیا بود تا سال ۱۸۹۸ به طور کامل برگرفته از قانون این کشور استعمارگر و بعد از تسلط آمریکا بر این کشور از سال ۱۸۹۸ منطبق بر قوانین آمریکا بود؛ طوری که اظهارنامه‌های ثبت اختراع برای ارزیابی به آمریکا فرستاده می‌شدند و به طور کامل بر اساس قوانین آن کشور ارزیابی می‌شدند و به ثبت می‌رسیدند. به طور خلاصه، تا سال ۱۹۴۷ که فیلیپین یک قانون مستقل به تصویب

۱. اسدولوفرخانلو، مرتضی، «حمایت از حقوق مالکیت فکری در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۷.

2. Colonies

3. Protectorates

4. Dkediji, Ruth L., "The International Relations of Intellectual Property: Narratives of Developing Countries Participation in the Global Intellectual Property System"; *Singapore Journal of International Comparative Law*, 2003, P 323.

رساند، قواعد مالکیت فکری این کشور منطبق با حقوق آمریکا بود. قانون اختراعات ۱۸۵۶ هندوستان نیز به طور کامل برگرفته از قوانین بریتانیا بود.<sup>۱</sup>

قاعداً در شرایطی که کشورهای ضعیف استقلالی نداشتند و به طور کامل تحت تأثیر کشورهای قدرتمند قرار داشتند و حتی قادر نبودند در سطح ملی، با آگاهی، قواعد مناسب حال خودشان را تدوین کنند، نمی‌توانستند نقش خاصی در فرایند قاعده‌سازی این رشته از حقوق در سطح بین‌المللی ایفا نمایند. حتی اگر در فرایند مذاکرات منتهی به معاهدات حاضر می‌شدند، نقش آنها منفعل بود و اثرگذاری خاصی نداشتند. به طور مثال، در سال ۱۸۸۶ کنوانسیون برن با حضور قدرت‌های برتر جهان مثل فرانسه، آلمان، و بریتانیا به تصویب رسید<sup>۲</sup> و در پی آن بسیاری از مستعمراتشان نیز به این کنوانسیون ملحق شدند. این جریان با الحاق دو قدرت استعمارگر دیگر، یعنی پرتغال و هلند، به کنوانسیون شدت گرفت.<sup>۳</sup> در واقع، کشورهای تحت استعمار و استثمار بدون توجه دقیق به نفع یا ضرر خود به قواعد بین‌المللی تدوین شده، پایبند می‌شدند. گذشته از معاهدات برن و پاریس، در اواخر قرن نوزدهم، کشورهای استعمارگر اروپایی معاهدات دوجانبه‌ای را در زمینه توسعه تجارت تدوین نمودند که قواعدی در زمینه مالکیت فکری در آنها وجود داشت. قواعد این قبیل مقررات عملاً به شکل غیرمستقیم کشورهای ضعیف را نیز پایبند نمود.<sup>۴</sup>

به طور خلاصه می‌توان گفت تا جنگ جهانی دوم و در دوران استعمارگری، قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری چه به شکل چندجانبه و چه به شکل دوجانبه توسط تعداد محدودی از کشورهای قدرتمند انجام می‌شد و این قواعد به کشورهای تحت استعمار آنها نیز تسری می‌یافت. در نتیجه، مجالی برای تنش و تعارض منافع دول توسعه‌یافته و در حال توسعه، به نحوی که در فرایند قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری خلل ایجاد نماید، وجود نداشت. به علاوه منافع کشورهای استعمارگر تا حدود زیادی به یکدیگر نزدیک بود و دغدغه‌ها و نگرانی‌های تقریباً

1. Drahose, Peter, "Developing Countries and International Intellectual Property Standard Setting"; *Journal of World Intellectual Property*, Volume 5, Issue 5, 2002, pp 766-767.

۲. اعضای امضاکننده نسخه اولیه کنوانسیون، ۹ کشور بودند: انگلیس، آلمان، فرانسه، بلژیک، ایتالیا، سوئیس، لیبریا، هاییتی و تونس.

3. Drahose, *op cit*, P 768.

4. Fremdling, Rainer and Growth, Groningen; **Historical Precedents of Global Markets**, 1999, P 4.

یکسان و همجنس آنها بستری فراهم آورده بود که مانعی جدی در جریان قاعده‌سازی بین‌المللی حقوق مالکیت فکری وجود نداشته باشد.

### ۱.۱.۲. دوره استقلال کشورها (از جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه ۱۹۸۰)

بعد از جنگ جهانی دوم، به تدریج استعمارگری از شکل اولیه خود خارج شد و با پذیرش تفکر تعیین سرنوشت کشورها، کشورهایی که پیش‌تر تحت استعمار بودند، به تدریج به استقلال رسیدند. بنابراین این کشورهای تازه به استقلال رسیده، وارد عرصه روابط سیاسی و اقتصادی بین‌المللی شدند.<sup>۱</sup> می‌توان گفت از این مقطع زمانی این قبیل کشورها، مثل هند و آفریقای جنوبی خواهان ایفای نقش در جریان قاعده‌سازی مناسبات گوناگون در سطح بین‌المللی شدند.

در زمینه حقوق مالکیت فکری، گام اول کشورهای تازه استقلال یافته، بازبینی نظام حقوق مالکیت فکری خود بود. به طور مثال، بعد از اینکه هند به استقلال رسید، دو کمیته کارشناسی برای ارزیابی نظام حقوق مالکیت فکری این کشور تشکیل شد. آنها به این نتیجه رسیدند که نظام حقوق مالکیت فکری این کشور، خصوصاً در زمینه اختراعات، به هیچ وجه منطبق با مصالح این کشور نیست و در نتیجه، تغییرات اساسی اعمال کردند. از جمله این تغییرات می‌توان به تصویب قانون جدیدی در زمینه اختراعات اشاره کرد که طبق آن امکان ثبت روش‌ها و فرایندهای منتج به دارو وجود داشت، اما امکان ثبت برای خود دارو وجود نداشت. همچنین مدت اعتبار گواهینامه ثبت اختراع برای این نوع اختراعات هفت سال بود؛ در حالی که برای سایر اختراعات چهارده سال بود.<sup>۲</sup> این قانون با اعمال تفاوت بین محصولات دارویی و فرایند تولید آن در قابلیت حمایت و همچنین مدت حمایت متفاوت، منافع ملی هندوستان را بهتر تأمین می‌کرد.

علاوه بر هند، بسیاری از کشورهای دیگر مثل برزیل، مکزیک و آرژانتین نیز مبادرت به اصلاح قوانین مالکیت فکری خود نمودند.<sup>۳</sup> به تدریج پس از اصلاح قوانین ملی، توجه این کشورها به تعهدات بین‌المللی‌شان معطوف شد. در شرایطی که کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به این نتیجه رسیده بودند که دیگر استانداردهای حمایتی

1. Dkediji, *op cit*, P 326.

2. Drahose, *cit*, P 767.

3. *Ibid*.

کنوانسیون‌های پاریس و برن پاسخگوی نیازهای آنها نیست و درصدد تقویت این قواعد با اصلاح کنوانسیون‌ها بودند، کشورهای در حال توسعه به شدت به مقابله با این تلاش‌ها برآمدند.<sup>۱</sup> این اوضاع و احوال در شرایطی بود که کشورهای توسعه‌یافته به عنوان تولیدکنندگان اموال و دارایی‌های فکری، به دلیل خلق تکنولوژی‌های جدید و فراهم آمدن بستری مستعدتر برای نقض حقوق خالقان در کشورهای در حال توسعه، بیش از دهه‌های پیش نسبت به استانداردهای پایین حمایت از مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه احساس نگرانی می‌کردند. در واقع ارزش بالای تکنولوژی از یک سو و سادگی روزافزون روش‌ها و شیوه‌های نقض حقوق خالقان اموال فکری به دلیل توسعه روابط و تعاملات تجاری بین‌المللی و همین‌طور توسعه فناوری اطلاعات، مثل رایانه و طرق جدید ارتباطی مثل اینترنت از سویی دیگر، به نگرانی دول توسعه‌یافته دامن زده و نیاز به افزایش سطح استانداردهای حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی را بیش از پیش برجسته نموده بود.<sup>۲</sup>

در این وضعیت، در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تنش‌ها و اختلافات زیادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در زمینه قاعده‌سازی و تدوین قواعد حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی وجود داشت. در شرایطی که کشورهای توسعه‌یافته با اتکا به قدرت هژمونیک خود قبل از جنگ جهانی دوم، توان انحصاری تدوین قواعد را داشتند، پس از استقلال کشورهای در حال توسعه با چالشی جدی مواجه شدند، طوری که تلاش‌های هر کدام از گروه‌ها توسط گروه دیگر خنثی می‌شد. به طور مثال، در کنفرانس استکهلم ۱۹۶۷ (به منظور اصلاح کنوانسیون برن) کشورهای کمتر توسعه‌یافته نگرانی شدید خود را نسبت به ضرورت دسترسی به دانش و اطلاعات ابراز داشتند و خواهان اصلاحاتی منطبق با نیازها و منافع خود شدند، اما در نهایت پیش‌نویس و پروتکل الحاقی پیشنهادشده به دلیل مخالفت کشورهای توسعه‌یافته به تصویب

1. You, Peter K., "Currents and Crosscurrents in international intellectual property Regime"; *Loyola of Los Angeles Law Review*, vol38, 2004, P 15; Cheng, Tai-Heng, "Power, Norms, and International Intellectual Property Law"; *Michigan Journal of International Law*, Volume 28, Issue 1, 2012, P 129.

۲. لوفنلد، اندریاس اف، **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰.



نرسید.<sup>۱</sup> بنابراین، دیگر قاعده‌سازان حقوق مالکیت فکری از لحاظ منافع اقتصادی از یک جنس نبودند و برخلاف گذشته اختلاف‌نظر کشورها و عوامل قاعده‌ساز خیلی ناچیز نبود. در شرایطی که کشورهای توسعه‌یافته به سردمداری آمریکا در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با اتحاد و مخالفت شدید کشورهای در حال توسعه و حتی تلاش آنها برای منطبق نمودن معاهدات موجود با منافع خود مواجه شده بودند و دریافتند که امکان حصول توافق با اصلاح معاهدات پاریس و برن وجود ندارد، تلاش کردند با یک تغییر سطح افقی، مذاکرات را در سطح گات و در مذاکرات دور توکیو پیگیری نمایند. البته در مذاکرات دور توکیو به برخی از مسائل جزئی مربوط به مالکیت فکری، یعنی نقض علائم تجاری و تجارت کالاهای تقلبی پرداخته شد؛ با این حال این مذاکرات نیز نتیجه دلخواه آمریکا و متحدانش را در پی نداشت.<sup>۲</sup>

### ۱.۱.۳. از ابتدای دهه ۱۹۸۰ تا تریس

با ناکامی کشورهای توسعه‌یافته و به خصوص آمریکا در افزایش سطح تعهدات بین‌المللی کشورهای در حال توسعه در حوزه حقوق مالکیت فکری، این کشورها دریافتند فضای مناسبی برای ارتقای استانداردهای مالکیت فکری در سطح بین‌المللی به شکل چندجانبه و در قالب واپو وجود ندارد. دول توسعه‌یافته به این نتیجه رسیدند که ادامه مذاکرات در سطح واپو و هر قالب چندجانبه دیگری در آن مقطع با وجود کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)<sup>۳</sup> و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)<sup>۴</sup> و اتحاد کشورهای در حال توسعه به هیچ‌وجه به نتایج مورد انتظار آنها ختم نخواهد شد.<sup>۵</sup> همچنین واپو توجه زیادی به منافع کشورهای در حال توسعه داشت و این فضا اصلاً مطابق با میل آمریکا و سایر کشورهای توسعه‌یافته نبود.<sup>۶</sup>

۱. بی ژون، تیان، **بازاندیشی در مالکیت فکری: اقتصاد سیاسی حمایت از کپی‌رایت در عصر دیجیتال**، ترجمه سید قاسم زمانی و مناسادات میرزاده، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲، صص ۵۷-۵۸.

2. Drahose, cit, P 770; Mayne, Ruth, Regionalism, Bilateralism, and TRIPS Plus Agreements: The Threat TO Developing Countries; Human Report Office Report Office Report, 2005, P 1.

3. United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD)

4. United Nation Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

5. Drahose, op cit, P 770.

6. Sell, Susan K., "Trips Was Never Enough: Vertical Forum Shofting, FTAS, ACTA, and TPP"; *Journal of Intellectual Property Law*, Volume 18, Issue2, 2011, P 450.

این کشورها، به‌خصوص آمریکا، برای خارج شدن از وضعیت موجود، نیاز شدیدی به تغییر سطح مذاکرات احساس کردند. منتها پیش از آن لازم بود درصد شکستن مقاومت کشورهای در حال توسعه برآیند. شاید بتوان شرکت‌های آمریکایی، خصوصاً شرکت‌های دارویی این کشور را مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در این جریان دانست. این شرکت‌ها در شرایطی که می‌خواستند از ظرفیت بازارهای کشورهای در حال توسعه برای محصولات خود استفاده کنند، به دلیل عدم حمایت کافی و مناسب از اموال فکری‌شان در آن کشورها با مشکلات زیادی مواجه بودند.<sup>۱</sup> تمامی اقدامات تجاری آمریکا با مشورت نمایندگی تجاری آمریکا<sup>۲</sup> و یکی از کمیته‌های این نهاد با نام «کمیته مشورتی سیاست و مذاکرات تجاری»<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۷۴ بر اساس قانون تجارت آمریکا تشکیل شده بود، انجام می‌شد. این کمیته متشکل از نمایندگان صنایع و شرکت‌های مهم و اثرگذار آمریکا بود و به نوعی خواسته‌ها و نیازهای این شرکت‌ها را به دولت آمریکا منعکس می‌کرد. یکی از کارهای اساسی این نهاد گوشزد کردن نیازهای اساسی صنایع آمریکا برای افزایش سطح استانداردهای مالکیت فکری به دولت بود.<sup>۴</sup>

در این راستا به منظور وادار کردن کشورهای در حال توسعه به افزایش سطح استانداردهای مالکیت فکری، در سال ۱۹۷۴ قانون تجارت آمریکا اصلاح شد؛ بدین توضیح که طبق بخش ۳۰۱ این قانون،<sup>۵</sup> کشورهایی که حمایت مؤثر و مناسب از مالکیت فکری به عمل نمی‌آوردند،

1. Drahose Drahose, Peter, "Bilateralism in Intellectual Property"; Queen Mary, *Journal of World Intellectual Property*, 2001, P 2.

2. U.S Trade Representative (USTR)

3. Advisory Committee for Trade Policy and Negotiations (ACTPN)

این کمیته بر اساس قانون تجارت ۱۹۷۴ آمریکا به عنوان یک کمیته مشورتی برای نمایندگی تجاری آمریکا تأسیس شد. نمایندگی تجاری آمریکا نهادی است که در سال ۱۹۶۲ با عنوان دفتر نمایندگی تجاری مخصوص بنا نهاده شد و در ادامه تغییر نام داد. وظیفه این نهاد که متشکل از کمیته‌های متعدد از جمله کمیته مشورتی سیاست و مذاکرات تجاری است، توصیه سیاست‌های تجاری، منعکس نمودن دغدغه‌ها و نیازهای صنایع آمریکا، تهیه موافقت‌نامه‌های تجاری و ... می‌باشد.

<http://www.businessdictionary.com/definition/Office-of-the-United-States-Trade-Representative.html>

[https://wikispooks.com/wiki/Advisory\\_Committee\\_for\\_Trade\\_Policy\\_and\\_Negotiations](https://wikispooks.com/wiki/Advisory_Committee_for_Trade_Policy_and_Negotiations)

4. Drahose, Peter, "Expanding Intellectual Property Empire: the Role ofulating Institutions Network, FTAs"; *Research School of Social Science*, 2003, P 4.

5. Section 301 of the U.S Trade Act of 1974.

به موجب این مقرر که در آینده با بخش ۱۳۰۳ قانون جامع تجارت و رقابت ۱۹۸۸ تکمیل شد، هر سال نمایندگی تجاری آمریکا باید گزارشی در زمینه کشورهای ناقض حقوق مالکیت فکری به کنگره بدهد. در نتیجه کنگره با—

تحت تحریم‌هایی قرار می‌گرفتند. همچنین این قانون دسترسی به نظام ترجیحی تجارت آمریکا را که منتهی به دسترسی بهتر کشورهای در حال توسعه به بازارهای آمریکا می‌شود، به حمایت مناسب این کشورها از مالکیت فکری منوط نمود. این در شرایطی بود که دسترسی به بازار آمریکا برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خصوصاً برای ارائه محصولات کشاورزی، بسیار حیاتی محسوب می‌شد.<sup>۱</sup>

در نتیجه اقدامات تک‌جانبه، به تدریج تا حدودی مقاومت کشورهای در حال توسعه متزلزل شد و بستر مناسبی برای تغییر سطح عمودی مذاکرات از چندجانبه که تا آن زمان در واپو و گات انجام می‌شد، به مذاکرات دوجانبه میان آمریکا و کشورهای در حال توسعه فراهم آمد. ضرورت انجام این مذاکرات از سوی کمیته مشورتی مذاکرات تجاری آمریکا به دولت این کشور القا و تزریق شده بود. پس از اقدامات تک‌جانبه، مذاکرات دوجانبه متعددی با کشورهایی مثل استرالیا، بحرین، کلمبیا، لائوس، لیتوانی، مغرب، نیکاراگوئه، عمان، پاناما، پرو، سنگاپور، کره جنوبی و ویتنام انجام شد و به تدریج فضای مناسبی برای بازگشت مذاکرات به سطح چندجانبه فراهم آمد.<sup>۲</sup> تحت تأثیر اقدامات تک‌جانبه آمریکا و مذاکرات دوجانبه در دهه ۱۹۸۰، سرانجام با متزلزل شدن مقاومت دول در حال توسعه، فضا و بستر مناسبی برای مذاکره پیرامون ابعاد گوناگون حقوق مالکیت فکری در سطح چندجانبه فراهم آمد و حقوق مالکیت فکری به یکی از موضوعات اصلی مذاکرات دور اروگوئه بدل شد. با این حال، این بدان معنا نبود که کشورهای توسعه‌یافته بتوانند هر آنچه می‌خواهند به کشورهای در حال توسعه تحمیل کنند؛ زیرا اتحاد ضعیف‌شده دول در حال توسعه ولو با قدرتی محدودتر همچنان در مقابل زیاده‌خواهی‌های کشورهای توسعه‌یافته مقاومت می‌کرد.<sup>۳</sup> در نتیجه، در پایان مذاکرات دور اروگوئه، تریپس به تصویب رسید؛ موافقت‌نامه‌ای که با تعیین حداقل استانداردهای حمایتی، گامی مهم در راستای تحقق اهداف کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شد. با این حال، تریپس به طور کامل خواسته‌های کشورهای توسعه‌یافته را محقق نکرد.

→ وضع تحریم‌های اقتصادی، کشورهای مورد نظر را مجبور به پذیرش و ارتقای استانداردهای مالکیت فکری می‌نمود (لوفنلد، اندریاس اف، منبع پیشین، ص ۱۱۱).

1. Sell, cit, P 452; Drahose, cit, 2001, P 3.

2. Sell, op cit, P 452.

3. Sell, op cit, P 431.

به طور خلاصه، جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری منتهی به تصویب تریپس را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که ابتدا با توجه به تقابل منافع کشورهای توسعه‌یافته، خصوصاً آمریکا و کشورهای در حال توسعه، مجموعه‌ای از اقدامات تک‌جانبه به عنوان اهرم فشار بر کشورهای در حال توسعه که از استانداردهای قابل قبولی برای حمایت از مالکیت فکری تبعیت نمی‌کردند، به کار گرفته شد. پس از این مرحله، کشورهای در حال توسعه برای رهایی از فشارهای تک‌جانبه، به ورود به مذاکرات دوجانبه با محوریت موضوعاتی از جمله مالکیت فکری متقاعد شدند. در ادامه با متقاعد کردن کشورهای در حال توسعه در سطح مذاکرات دوجانبه، به افزایش سطح استانداردهای مالکیت فکری بستر مناسبی برای وارد کردن بحث مالکیت فکری به مذاکرات چندجانبه فراهم آمد. در واقع آمریکا و متحدانش از مجرای مذاکرات دوجانبه به صورت تک به تک کشورهای در حال توسعه طرف مذاکره را متقاعد به افزایش سطح استانداردهای مالکیت فکری و وارد کردن موضوع مالکیت فکری به مذاکرات چندجانبه تجاری نمودند. در نتیجه، می‌توان موافقت‌نامه تریپس را نتیجه سیری از اقدامات تک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه دانست؛ به نحوی که هر کدام از این مراحل مقدمه‌ای برای مرحله بعدی بود.

## ۲. سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری بعد از تریپس

پس از تصویب موافقت‌نامه تریپس، جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی مجدداً با تغییر سطح عمودی همراه شد؛ منتها در این مرحله جامعه بین‌المللی علاوه بر مذاکرات دوجانبه، شاهد مذاکرات جمعی نیز بوده است. در این راستا، قواعد و استانداردهای جدیدی در موافقت‌نامه‌های موسوم به فراتریپس<sup>۱</sup> تدوین شدند. این در حالی است که با پیش‌بینی اصل رفتار دولت کامله‌الوداد در ماده ۴ موافقت‌نامه تریپس کشورهای مذاکره‌کننده موافقت‌نامه‌های فراتریپس ملزم به رعایت این قواعد در خصوص تمام اعضای سازمان جهانی تجارت می‌باشند و به تعبیر دیگر، رعایت این قواعد فراتریپسی توسط کشور متعهد، خودبه‌خود در خصوص تمام اعضای سازمان جهانی تجارت الزام‌آور می‌شود؛ به نحوی که به تعبیر برخی نویسندگان، می‌توان گفت با توجه به پیش‌بینی اصل رفتار کامله‌الوداد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و

1. TRIPs-Plus Agreements

جمعی می‌توانند اثری همچون معاهدات چندجانبه داشته باشند.<sup>۱</sup> لذا بررسی کارکرد این اصل در جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری ضروری می‌نماید. بنابراین جریان قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری بعد از تریپس را در سه قسمت بررسی می‌کنیم؛ ابتدا به بحث تغییر سطح عمودی مذاکرات از چندجانبه به دوجانبه و جمعی می‌پردازیم. در ادامه، به منظور درک بهتر تحولات انجام‌شده نگاهی سطحی و اجمالی به محتوای موافقت‌نامه‌های فراتریپس خواهیم داشت و در پایان به بررسی جایگاه اصل رفتار دولت کامله‌الوداد در قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری خواهیم پرداخت.

## ۲.۱. تغییر سطح عمودی مذاکرات از چندجانبه به دوجانبه و جمعی

تریپس حداقل استانداردهای حمایتی مالکیت فکری را مقرر نمود. با این حال، هیچ یک از طرفین، یعنی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، این موافقت‌نامه را منطبق با ایدئال‌های خود نمی‌دانستند. در حالی که پیش از تدوین این موافقت‌نامه، کشورهای در حال توسعه با آزادی عمل بیشتری، مبادرت به تنظیم و تدوین قوانین مالکیت فکری می‌نمودند، از این پس باید حداقل‌های تریپس را رعایت می‌کردند. به طور مثال، در بسیاری از کشورها برای اختراعات دارویی گواهی‌نامه صادر نمی‌شد، در حالی که بعد از تریپس ملزم به آن شدند.<sup>۲</sup> در این وضعیت کشورهای در حال توسعه این موافقت‌نامه را به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به ضرر خود می‌انگاشتند؛ به نحوی که معتقد بودند تریپس در حوزه‌های گوناگون مثل بهداشت عمومی<sup>۳</sup> باعث وابستگی و عدم استقلال کشورهای در حال توسعه خواهد شد و توسعه اقتصادی آنها را با چالش مواجه خواهد نمود.<sup>۴</sup>

۱. جعفرزاده، میرقاسم و مرتضی اسدلو، «واگرایی بعد از همگرایی: تحول بین‌المللی نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری بعد از موافقت‌نامه تریپس»، مجله حقوق تطبیقی، ج ۱۳، ش ۲، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱.

2. Colling, cit, P 769, Lindstorm, Beatrice, Scaling Back TRIPS-Plus: An Analysis of Intellectual Property Provision in Trade Agreements and Implications for Asia and the Pacific (); International Law and Politics, Vol.42:917, 2010, P 946.

۳. البته در مواد ۳۰ و ۳۱ موافقت‌نامه تریپس استثنائاتی بر حقوق اعطایی و امکان استفاده بدون اجازه دارنده حق مطرح شده است. به موجب ماده ۳۰، اعضا می‌توانند با شرایطی استثنائات محدودی را بر حقوق انحصاری اعطا شده مقرر نمایند. همچنین بر اساس ماده ۳۱، صدور لیسانس اجباری پس از تلاش برای مذاکره و متقاعد کردن دارنده گواهی‌نامه به اعطای مجوز با تحقق شرایطی ممکن است و حتی در صورت تحقق وضعیت اضطرار ملی دولت می‌تواند بدون مذاکره مجوز صادر نماید.

4. Public Health

5. Silverman, Mathew E., "The Case for Flexible Intellectual Property Protections in The Transe-Pacific Partnership"; *Journal of Law and Health*, 2014. →

حتی بسیاری از نویسندگانی که طرفدار نظام تجارت آزاد هستند، تریپس را مورد انتقاد قرار می‌دهند و آن را سیاستی نامناسب و مضر به حال کشورهای در حال توسعه می‌دانند. از اثرات منفی اعمال مقررات تریپس می‌توان به انتقال ثروت از مردم کشورهای در حال توسعه به دارندگان حق تألیف و اختراع کشورهای توسعه‌یافته اشاره نمود.<sup>۱</sup>

البته در مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه تریپس به دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه پرداخته شده است. به طور مثال، طبق بند ۱ ماده ۸: «اعضا می‌توانند هنگام تصویب یا اصلاح قوانین و مقررات داخلی خود اقدامات لازم برای حمایت از بهداشت و تغذیه عمومی و افزایش توجه عموم به بخش‌های دارای اهمیت حیاتی در توسعه فنی و اجتماعی و اقتصادی خود اتخاذ نمایند، به شرط اینکه این مصوبات مغایر با مقررات موافقت‌نامه حاضر نباشند.»<sup>۲</sup> همچنین طبق ماده ۷: «حمایت از حقوق مالکیت فکری باید در ارتقای سطح نوآوری فناورانه، انتقال و اشاعه فناوری و منافع متقابل تولیدکنندگان دانش فنی سهیم بوده و طوری انجام شود که به رفاه اجتماعی و اقتصادی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود.»<sup>۳</sup> اما این مقررات به نحوی مبهم تدوین شده‌اند، قابل تفسیرهای متفاوت بوده و از نظر ضمانت‌اجرا ضعیف می‌باشند.<sup>۴</sup> با وجود این، کشورهای در حال توسعه به امید اینکه تریپس سقف تعهدات آنها را در سطح بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری تعیین می‌کند، این موافقت‌نامه را پذیرفتند تا از زیر بار فشار کشورهای توسعه‌یافته، خصوصاً آمریکا، خارج شوند.<sup>۵</sup>

در طرف مقابل، دول توسعه‌یافته به سردمداری آمریکا نیز از وضع موجود رضایت کامل نداشتند. همان‌طور که اشاره شد، با مقاومت کشورهای در حال توسعه، تریپس تنها حداقل‌های حمایت از مالکیت فکری را مقرر نمود و برای اینکه کشورها بتوانند در راستای مصالح اجتماعی خود حرکت کنند، استثنائاتی در این سند در خصوص حقوق مالکیت فکری مقرر شد: استثنائاتی

←P 217, Cottier, Tomas and Follea, Marina;" Global Governance in Intellectual Property Protection: Does The Decision Making Forum Matter?" *WIPO Magazine*, 2012, P 140 .

۱. عامری، فیصل، «جستاری پیرامون تریپس و برخی جنبه‌های اقتصادی آن: با ارجاع خاص به حق اختراع»، *پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۲۳، سال نهم، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳.

2. Members may, in formulating or amending their laws and regulations, adopt measures necessary to protect public interest in sectors of vital importance to their socio-economic and technological development, provided that such measures are consistent with the provisions of this agreement.

3. The protection and enforcement of intellectual property rights should contribute to the protection of technological knowledge and in a manner conducive to social and economic welfare, and to the balance of rights and obligations.

۴. بی ژون، تیان، منبع پیشین، ص ۶۹؛ عامری، فیصل، منبع پیشین، ص ۱۸۴.

5. Drahose, Peter, "Expanding Intellectual Property Empire: the Role ofulating Institutions Network, FTAs"; *Research School of Social Science*, 2003, P 2.

مثل لیسانس اجباری،<sup>۱</sup> واردات موازی،<sup>۲</sup> استثنائات صدور گواهینامه ثبت اختراع بر اساس بند ۳ ماده ۲۷ تریپس را می‌توان از مهم‌ترین مواردی انگاشت که باعث نارضایتی آمریکا و دیگر دول توسعه‌یافته بود. در اصطلاح به این استثنائات در تریپس انعطاف‌پذیری<sup>۳</sup> می‌گویند.<sup>۴</sup> بنابراین، برخلاف انتظار دول در حال توسعه، فشار آمریکا از طریق اقدامات تک‌جانبه به منظور ارتقای استانداردهای حقوق مالکیت فکری همچنان ادامه پیدا کرد؛ طوری که با وجود اعتراض کشورهای در حال توسعه مثل هند، تایلند و آفریقای جنوبی، آمریکا همچنان از ظرفیت بخش ۳۰۱ قانون تجارت خود برای اعمال فشار بهره می‌برد.<sup>۵</sup> به طور مثال، وقتی دولت تایلند درصدد برآمد تا با لیسانس اجباری به تولید یک دارو در این کشور بپردازد، دولت آمریکا این کشور را به مواجه شدن با تحریم‌های تجاری تهدید کرد.<sup>۶</sup>

در مقابل فشارهای تک‌جانبه، کشورهای در حال توسعه موفق شده بودند تا حد امکان در چارچوب شورای تریپس<sup>۷</sup> در مقابل خواسته‌های آمریکا مقاومت نمایند. این کشورها با فعالیت‌ها و حمایت‌های مستمر برخی سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد،<sup>۸</sup> واپپو<sup>۹</sup> و سازمان

1. Compulsory License

2. Parallel Import

3. Flexibility

4. Forman, Lisa and Macnaughton, Gillian, "Moving Theory into Practice: Human Rights Impact Assessment of Intellectual Property Rights in Trade Agreements"; *Journal of Human Rights Practice*, Vol 7, 2015, P 112.

5. Korea, *op cit*, PP 79-80.

6. Colling, *op cit*, P 776.

7. Trips Council

در ساختار سازمان جهانی تجارت سه شورای بخشی وجود دارند: الف) شورای تجارت کالا؛ ب) شورای تجارت خدمات و ج) شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (شورای تریپس). این شوراها که متشکل از تمام اعضای سازمان می‌باشند، مسئول اجرای موافقت‌نامه‌های مربوطه هستند (امیدبخش، اسفندیار؛ **سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵ ص ۳۲**).

۸. در خصوص سازمان ملل متحد می‌توان به گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ اشاره نمود. در این گزارش که سهیم کردن افراد در آثار تجارت جهانی نام دارد، فصلی ویژه به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری اختصاص داده شده است. این فصل بر محدودیت‌های منبعث از تریپس در مسیر دسترسی به دارو و فناوری تأکید می‌کند و بر مفاهیم معشوش تریپس در خصوص دانش بومی و امنیت غذایی تأکید دارد. بر اساس این گزارش، تریپس باید به گونه‌ای تفسیر شود که میان منافع اشخاص ذی‌نفع حقوق مالکیت فکری و استفاده‌کنندگان اموال فکری تعادل ایجاد نماید. در پایان پیشنهاد می‌دهد که جایگزینی برای تریپس تهیه شود، خواه از مجرای سازمان جهانی تجارت یا خارج از آن (پی ژون، تیان، منبع پیشین، صص ۸۱-۸۲).

۹. در این خصوص می‌توان به برنامه واپپو در خصوص توسعه در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. آرژانتین و برزیل در سی‌ویکمین نشست مجمع عمومی واپپو در سال ۲۰۰۴ این برنامه را ارائه نمودند. این طرح از سوی ۱۲ کشور دیگر (موسوم به دوستداران توسعه) از جمله ایران مورد حمایت قرار گرفت. این کشورها معتقد بودند واپپو باید به نیازهای کشورهای در حال توسعه بیشتر توجه کند و خواستار این بودند که واپپو به عنوان یکی از آژانس‌های ←

جهانی بهداشت<sup>۱</sup> و تشکیل کمپین‌های متعدد تلاش می‌کردند تریپس را با مصالح خود منطبق نمایند.<sup>۲</sup> در پی تلاش‌های دول در حال توسعه در چارچوب شورای تریپس و در راستای پاسخ به نیازهای آنها در سال ۲۰۰۱ اعلامیه<sup>۳</sup> دوحه<sup>۳</sup> تنظیم و مورد پذیرش کشورها قرار گرفت. گروه کشورهای آفریقایی<sup>۴</sup> بیشترین تأثیر را در تهیه این اعلامیه داشت. جمعی از کشورهای آفریقایی اسنادی را به شورای تریپس ارائه نمودند و پس از جلسات متعدد در سال ۲۰۰۱ پیش‌نویسی توسط گروه کشورهای آفریقایی ارائه شد. این پیش‌نویس را می‌توان به نوعی تضمین‌کننده حقوق کشورهای در حال توسعه در زمینه بهداشت عمومی و تأکید بر انعطاف‌پذیری‌های تریپس دانست.<sup>۵</sup> به موجب پاراگراف ۴ اعلامیه دوحه، «ما توافق می‌کنیم که موافقت‌نامه تریپس مانع اعضا از انجام اقداماتی جهت حمایت از بهداشت عمومی نمی‌شود و نباید بشود. در حالی که بر تعهد خود بر موافقت‌نامه تریپس تأکید می‌کنیم، تأیید می‌نماییم تریپس به صورتی که حمایت‌کننده حقوق اعضای سازمان جهانی تجارت در زمینه حمایت از بهداشت عمومی و خاصه ارتقای دسترسی به دارو برای همه باشد، تفسیر و اعمال شود.»<sup>۶</sup>

همچنین در این اعلامیه بر مواردی مثل مشروعیت لیسانس اجباری و واردات موازی تأکید شد. به موجب بند (ب) پاراگراف فرعی ۵ این موافقت‌نامه، «هر عضو حق اعطای لیسانس اجباری و تعیین شرایطی که بر اساس آن باید لیسانس اجباری صادر شود را دارد.»<sup>۷</sup> طبق بند (د) آن، «تأثیر مقررات تریپس که مرتبط با بحث زوال حقوق مالکیت فکری هستند، این است که

→ تخصصی سازمان ملل به دنبال اجرای اهداف توسعه سازمان باشد؛ برای مثال انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه را تسهیل نماید (همان، ص ۸۴).

1. World Health Organization (WHO)

2. Sell, *op cit*, P 518.

3. Declaration on the TRIPs Agreement and Public Health, WTO Ministerial Conference, Doha, Adopted on November 2001.

۴. یکی از گروه‌های منطقه‌ای (Regional Groups) در سازمان ملل متحد با ۵۴ عضو از جمله آفریقای جنوبی، مصر، مراکش، نیجریه و ...

[https://en.wikipedia.org/wiki/African\\_Group](https://en.wikipedia.org/wiki/African_Group)

5. Drahose, Peter, "Developing Countries and International Intellectual Property Standard Setting"; *Journal of World Intellectual Property*, Volume 5, Issue 5, 2002, P 2.

6. Paragraph 4 of Doha Declaration: "We agree that the TRIPs Agreement does not and should not prevent members from taking measures to protect public health. Accordingly, while reiterating our commitment to the TRIPs Agreement, we affirm that the Agreement can and should be interpreted and implemented in a manner supportive of WTO Members' right to protect public health and, in particular, to promote access to medicines for all."

7. Paragraph 5(2) of Doha Declaration: "Each member has the right to grant compulsory licences and the freedom to determine the grounds upon which licences are granted."



هر عضو می‌تواند با لحاظ مقررات اصل دولت کامله‌الوداد و رفتار ملی مذکور در مواد ۳ و ۴ نظام مورد نظر خود برای زوال حق را ترتیب دهد.<sup>۱</sup>

پس از تقویت اتحاد کشورهای در حال توسعه در قالب و چارچوب شورای تریپس و پذیرش اعلامیه دوحه و پدید آمدن این باور برای آمریکا و دیگر کشورهای توسعه‌یافته که تلاش‌های آنها در قالب سازمان جهانی تجارت نمی‌تواند ایدئال‌های مورد نظر را فراهم آورد، نیاز به تغییر سطح مذاکرات منتهی به قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری توسط این کشورها احساس شد. در همین راستا، این کشورها که خالقان و صادرکنندگان اموال فکری بودند، سطح مذاکرات را از چندجانبه به دوجانبه پایین آوردند تا بتوانند به تدریج با بهره‌گیری از مزیت چانه‌زنی<sup>۲</sup> خود خواسته‌هایشان را به صورت تک‌به‌تک به کشورهای مورد نظر تحمیل نمایند؛ خواسته‌هایی که سطح آنها از استانداردهای تریپس به مراتب بالاتر بود.<sup>۳</sup>

وضعیت این مقطع زمانی (یعنی ابتدای قرن ۲۱) همانند وضعیت دهه ۱۹۸۰ بود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در شرایطی که تلاش آمریکا و متحدانش برای تدوین قواعد بین‌المللی مالکیت فکری با مقاومت کشورهای در حال توسعه مواجه شده بود و از مذاکرات چندجانبه در قالب واپو ناامید بودند، با تغییر عمودی سطح مذاکرات به دوجانبه، بستر مناسبی برای وارد کردن بحث مالکیت فکری به مذاکرات چندجانبه فراهم آوردند. بعد از تدوین تریپس نیز این فرایند به نحوی تکرار شد. همانند دهه ۱۹۸۰، تلاش‌های آمریکا برای افزایش سطح استانداردهای مالکیت فکری در سطح بین‌المللی بعد از تصویب تریپس و در اوایل قرن ۲۱ ادامه یافت. در واقع می‌توان گفت این تغییر سطح مذاکرات همانند دهه ۱۹۸۰ برای شکستن مقاومت و اتحاد دول در حال توسعه انجام شد.<sup>۴</sup> دوجانبه‌گرایی توسعه‌یافته بعد از تریپس را می‌توان به دو حالت و در دو

1. Paragraph 5(d) of Doha Declaration: "The effect of the provision in the TRIPS Agreement that are relevant to the exhaustion of intellectual property rights is to leave each member free to establish its own regime for such exhaustion without challenge, subject to the MFN and national treatment provisions in the article 3 and 4."

2. Bargaining Advantage

3. Lindstrom, *op cit*, P 925.

4. Drahoose, Peter, "Expanding Intellectual Property Empire: the Role ofulating Institutions Network, FTAs"; *Research School of Social Science*, 2003, P 9; Mayne, Ruth, "Regionalism, Bilateralism, and TRIPS Plus Agreements: The Threat TO Developing Countries"; *Human Report Office Report Office Report*, 2005, Pp 4-5.

جهت تصور نمود: ۱- ملزم نمودن اعضای تریپس به پذیرش و اعمال استانداردهای وسیع‌تر و بیشتر از تریپس؛ ۲- ملزم نمودن کشورهای در حال توسعه بر عدم استفاده از استثنای تریپس.<sup>۱</sup> همانند دهه ۱۹۸۰ اقدامات و فشارهای تک‌جانبه مقدمه‌ای برای وادار کردن کشورها به ورود به مذاکرات دوجانبه با محوریت موضوعاتی از جمله مالکیت فکری بوده است. به طور مثال، در سال ۲۰۰۲ دولت آمریکا، کره جنوبی را با فشارهای سیاسی و تهدید به فشارهای اقتصادی نسبت به صدور لیسانس اجباری برای دارویی به نام گلیوس<sup>۲</sup> منصرف نمود. همچنین وقتی در سال ۲۰۰۶ دولت تایلند برای یک داروی ضدایدز، لیسانس اجباری صادر نمود، در فهرست تحریم‌های بخش ۳۰۱ قانون تجارت آمریکا قرار گرفت.<sup>۳</sup>

البته در این میان، کشورهای در حال توسعه نیز تلاش‌هایی انجام داده‌اند؛ تلاش‌هایی که بیشتر از جنس حرکت در چهارچوب اسلوب‌های حقوق بشری بوده است. سرآمد این تلاش‌ها را می‌توان تنظیم معاهده مراکش در سال ۲۰۱۳ با هدف وضع استثنائاتی در زمینه کپی رایت به منظور حمایت از معلولان و نابینایان و همین‌طور اصلاح ماده ۳۱ مکرر تریپس با هدف تجویز امکان صدور لیسانس اجباری برای صادرات اشاره نمود. اما این تلاش‌ها به شکل گسترده نبوده و تنها به نحو جزئی در بخش‌های خاص اثرگذار بوده است؛ امری که مشابه آن در دهه‌های میانی قرن گذشته با اصلاح کنوانسیون‌های پاریس و برن انجام شده بود؛ اما همان‌طور که آن تلاش‌ها به نحو جزئی بوده و تحت تأثیر مسائل ژئوپولوتیک آن عصر نتیجه چشمگیری به نفع کشورهای در حال توسعه نداشت، در عصر حاضر نیز حدود اثرگذاری تلاش‌های جاری کشورهای در حال توسعه وابسته به مسائل ژئوپولوتیک متعدد است.

برخلاف دهه ۱۹۸۰، تلاش کشورهای توسعه‌یافته محدود به مذاکرات دوجانبه نماند و در پی مذاکرات جمعی، موافقت‌نامه‌های جمعی نیز در زمینه استانداردهای حقوق مالکیت فکری تدوین شدند. چشمگیرترین تلاش‌ها در این سطح را می‌توان موافقت‌نامه‌های منع تجارت متقلبانه ۲۰۱۱ و فصل ۱۸ پیمان مشارکت اقیانوس آرام ۲۰۱۶ دانست.

1. Drahose, Peter, "Bilateralism in Intellectual Property" *Queen Mary, Journal of World Intellectual Property*, 2001, P 4.

2. Gleeve

3. Forman and Macnaughton, cit, P 114.

با عنایت به مطالب فوق، برخلاف آنچه از قلم برخی نویسندگان برمی‌آید،<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد نظام بین‌الملل حقوق مالکیت فکری در حال گذار از چندجانبه‌گرایی به دوجانبه‌گرایی نیست؛ زیرا آنچه از مفهوم گذار به ذهن متبادر می‌گردد، تغییر موضع دائمی و تغییر شکل همیشگی است؛ حال آنکه به نظر می‌آید آنچه امروز در عرصه حقوق مالکیت فکری شاهد هستیم، تکرار همان فرایندی است که به تریپس ختم شد. بنابراین عقیده بر امکان ارتقای مجدد سطح مذاکرات از دوجانبه و جمعی به چندجانبه عقیده‌ای گراف نخواهد بود. در واقع رویگردانی از مذاکرات چندجانبه و شفاف در چهارچوب وایپو و مذاکرات چندجانبه کاملاً مسبوق به سابقه است و می‌توان آن را بخشی از چرخه قاعده‌سازی حقوق بین‌الملل مالکیت فکری دانست. قاعدتاً مذاکرات چندجانبه به دلیل تعارض شدید منافع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نمی‌تواند کشورهای توسعه‌یافته را به هدف خود برساند؛ از این رو با تمسک به اقدامات تک‌جانبه، ابتدا مقاومت دول در حال توسعه را کمرنگ می‌کنند و پس از آن با آنها بر سر میز مذاکرات دوجانبه می‌نشینند و امتیازات لازم را به دست می‌آورند و قواعد مورد نظر خود را به آنها تحمیل می‌کنند و به تدریج می‌توان انتظار داشت فضا برای ارتقای سطح مذاکرت به سطح چندجانبه در قالب وایپو یا سازمان جهانی تجارت فراهم آید. البته اینکه چه زمانی می‌توان شاهد ارتقای سطح مذاکرات از سطح دوجانبه و جمعی به سطح چندجانبه باشیم، بستگی به عوامل ژئوپولیتیک گوناگونی دارد؛ اما کلیت مسئله این است که این تغییر سطح مذاکرات و رویگردانی از مذاکرات چندجانبه قاعدتاً نمی‌تواند دائمی باشد و دیر یا زود می‌توان شاهد فرایند ارتقای مذاکرات به سطح چندجانبه بود؛ بنابراین نباید فضای حاضر را به مثابه کمرنگ شدن چندجانبه‌گرایی و انتقای اهداف آن دانست، بلکه باید آن را بخشی از سیر تکامل چندجانبه‌گرایی به شمار آورد.

تفاوت عصر حاضر با دوره زمانی منتهی به تریپس در دو امر است: ۱- در آن دوره زمانی مقررۀ عام و جهان‌شمولی مثل تریپس که استانداردهای حمایتی چشمگیری را به کشورهای در حال توسعه و ضعیف‌تر تحمیل کند، وجود نداشته است؛ بنابراین پتانسیل قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری به حد اعلای خود نرسیده بود و جا برای کار و تحمیل مقررات سخت و حقوق مالکیت فکری به کشورهای در حال توسعه بیشتر از عصر حاضر وجود داشت؛ حال آنکه

۱. جعفرزاده، میرقاسم و مرتضی اسدلو، منبع پیشین، ص ۱۷۵.

اکنون با وجود تریپس فضا برای تحمیل مقررات سفت و سخت‌تر بسیار محدود است. به تعبیر دیگر، در دهه‌های منتهی به تریپس، جا برای کار بسیار وسیع بود. اما در عصر حاضر شاهد آن سطح از وسعت نیستیم و قاعدتاً زمان بسیار بیشتری را باید در مرحله دوجانبه‌گرایی و جمعی‌گرایی سپری نماییم تا فضا برای ارتقای سطح مذاکرات به سطح چندجانبه فراهم آید. ۲- در دهه‌های منتهی به تریپس، قاعده‌سازی گزاره‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی بیش از هر چیز بر اساس منویات آمریکا انجام می‌شد؛ اما در عصر حاضر با ظهور و قدرت‌گیری چین و ظهور برخی قدرت‌های دیگر و همچنین کم‌رنگ‌شدن نسبی قدرت آمریکا شاهد تعارض منافع و بلوک‌بندی‌های مستحکم‌تر هستیم؛ امری که قاعدتاً می‌تواند اسباب صعوبت ارتقای سطح مذاکرات از سطح دوجانبه و جمعی به سطح چندجانبه را فراهم آورد. در مجموع، از نظر نگارندگان این مقاله، در عصر حاضر در یکی از مراحل قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری قرار داریم؛ مرحله‌ای که حد‌اعلای پختگی آن می‌تواند ارتقای سطح قاعده‌سازی از دوجانبه و جمعی به چندجانبه باشد.

## ۲.۲. جایگاه اصل رفتار ملت کامله‌الوداد در قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری بعد از تریپس

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برخی نویسندگان عقیده بر عدم همسویی موافقت‌نامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای با جهانی‌شدن و چندجانبه‌گرایی دارند. به عقیده آنها، معاهدات دوجانبه و منطقه‌ای مانعی بر سر راه هماهنگ‌سازی حقوق مالکیت فکری است و منجر به تقسیم نظام بین‌المللی مالکیت فکری به جزایر پراکنده و جدا از هم خواهد شد.<sup>۱</sup> اما در قسمت اول این گفتار به تفصیل بیان شد که اساساً این فرایند دوجانبه‌گرایی و جمعی‌گرایی هیچ منافاتی با چندجانبه‌گرایی ندارد و این مقطع زمانی بخشی از چرخه قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری است و مقدمه ورود مجدد به مرحله مذاکرات و توافقات چندجانبه محسوب می‌شود. البته بین مرحله دوجانبه‌گرایی بعد از تریپس و دوجانبه‌گرایی قبل از تریپس، یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن تفاوت ریشه در کارکرد اصل رفتار دولت کامله‌الوداد دارد؛ اصلی که در ماده ۴ موافقت‌نامه تریپس

۱. برای مشاهده جزئیات این استدلال‌ها؛ ر.ک جعفرزاده، اسدلو، «واقع‌گرایی بعد از همگرایی: تحول بین‌المللی نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری بعد از موافقت‌نامه تریپس»، مجله حقوق تطبیقی، ج ۱۳، ش ۲، ۱۳۹۶.

پیش‌بینی شده است و طبق آن همه اعضای سازمان جهانی تجارت متعهد هستند کلیه امتیازهایی را که به اتباع کشورهای دیگر می‌دهند، به تمام اعضای تریپس اعطا نمایند. به تعبیر دیگر، این امتیازات به طور خودکار به سایر اعضای سازمان جهانی تجارت نیز تسری می‌یابند و در نتیجه، این کشورها طبق ماده ۴ تریپس، متعهدند در روابط خود با اتباع سایر دول این امتیازات و مزایا را لحاظ کنند. به موجب ماده ۴ موافقت‌نامه تریپس: «در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت فکری، هر گونه مزایا، منافع، امتیاز یا معافیت که در حوزه حمایت از مالکیت فکری توسط یکی از اعضا به اتباع هر کشور دیگر اعطا شود، فوراً و بدون هیچ قید و شرط به اتباع سایر کشورهای عضو این موافقت‌نامه تسری داده می‌شود. ...»<sup>۱</sup>

به واقع اگر آمریکا، ژاپن یا اتحادیه اروپا امتیازی دریافت کنند، مانند این است که این امتیاز بخشی از تریپس است و همه اعضا از آن بهره می‌برند. در نتیجه، این اصل باعث می‌شود با شیوع و افزایش توافقات دوجانبه و جمعی به تدریج سطح استانداردهای حقوق مالکیت فکری، بدون اینکه توافق چندجانبه جدیدی انجام شود، بالاتر برود.<sup>۲</sup> به تعبیری می‌توان گفت کارکرد اصل ملت کامله‌الوداد در موافقت‌نامه تریپس عملاً ایجاد عرف‌های جدید بین‌المللی در زمینه حمایت از مالکیت فکری است؛ طوری که به تدریج استانداردهای بالاتر جایگزین استانداردهای تریپس می‌شوند.<sup>۳</sup> در واقع شاید بتوان گفت اصل ملت کامله‌الوداد در عصر حاضر تسهیل‌گر افزایش سطح استانداردهای حقوق مالکیت فکری بوده است؛ طوری که تأثیر اقدامات دوجانبه و جمعی را به شدت افزایش می‌دهد. بنابراین دوجانبه‌گرایی و جمعی‌گرایی در عصر حاضر نه تنها مقدمه ورود به مرحله مذاکرات چندجانبه است، بلکه با توجه به کارکرد اصل رفتار کامله‌الوداد، اساساً امکان تحقق واگرایی را منتفی می‌کند؛ زیرا هر امتیازی در این توافقات دوجانبه و جمعی داده می‌شود، گویی به تمام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت داده شده است؛ در نتیجه وقتی کشورهای در حال توسعه می‌بینند امتیازات اعطاشده به تمام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت تسری پیدا می‌کند، قاعدتاً مقاومتی برای پذیرش توافقات چندجانبه و بزرگ

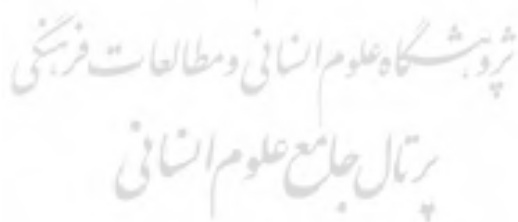
1. "With regard to the protection of intellectual property rights, any advantage, favour, privilege or immunity granted by a member to the nationals of any other country shall be accorded immediately and unconditionally to the nationals of all other members. ..."

2. Drahoš, Peter, "Bilateralism in Intellectual Property" *Queen Mary, Journal of World Intellectual Property*, 2001, P 12.

3. Dkediji, *op cit*, P.338.

نخواهند داشت؛ امری که قطعاً می‌تواند باعث شود اسباب تسریع گذر از سطح مذاکرات دوجانبه و جمعی به مذاکرات چندجانبه را فراهم آید. بنابراین همان‌طور که از کلام برخی نویسندگان برمی‌آید،<sup>۱</sup> با توجه به کارکرد اصل رفتار کامله‌الوداد، دوجانبه‌گرایی حاضر عملاً نمی‌تواند منافاتی با اهداف هماهنگ‌سازی مقررات حقوق مالکیت فکری داشته باشد.

خلاصه اینکه سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری بعد از تریپس تقریباً همان سیر و جریان منتهی به تریپس است: ابتدا تلاش‌های چندجانبه کشورهای ذی‌نفع در ارتقای حمایت‌های مالکیت فکری با مانع مواجه می‌شود و از این‌رو، با حربه اقدامات چندجانبه به تغییر سطح عمودی مذاکرات به سطحی که راحت‌تر بتوانند اعمال نفوذ کنند، یعنی سطح دوجانبه، مبادرت می‌نمایند؛ با این تفاوت که پس از تریپس، علاوه بر اقدامات دوجانبه، شاهد اقدامات جمعی نیز هستیم و از سوی دیگر شرط ملت کامله‌الوداد موجب تسهیل فراگیر شدن استانداردهای فراتریپسی در سطح بین‌المللی شده است.



۱. جعفرزاده، اسدلو، منبع پیشین، ص ۱۹۱.

## نتیجه‌گیری

پس از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با استقلال کشورهای مستعمره، قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری با حرکت و سیری پلکانی و از مجرای چرخه‌ای متشکل از اقدامات تک‌جانبه، دوجانبه، جمعی و چندجانبه از سوی کشورهای توسعه‌یافته، خصوصاً آمریکا جهت‌دهی شد. در شرایطی که با استقلال کشورهای مستعمره و تقویت اتحاد کشورهای در حال توسعه، عوامل گوناگون تجاری و اقتصادی مؤثر در قاعده‌سازی از انحصار دول توسعه‌یافته خارج شد و برخلاف گذشته، کشورهای توسعه‌یافته توان تحمیل قاطعانه و یک‌طرفه خواسته‌های خود به کشورهای در حال توسعه را از دست دادند، مذاکرات چندجانبه در قالب وایپو دیگر نتایج مورد نظر آنها را در پی نداشت. در این راستا، با اعمال فشارهای تک‌جانبه کشورهای توسعه‌یافته، سطح مذاکرات طی تغییر عمودی از چندجانبه به مذاکرات دوجانبه تغییر یافت و بستر جدیدی در سطح بین‌المللی به منظور تدوین مقررات و استانداردهای جهانی مالکیت فکری پدید آمد؛ وضعیتی که منتهی به تدوین تریپس گردید. تریپس را می‌توان نتیجه مجموعه‌ای از اقدامات تک‌جانبه، مذاکرات دوجانبه و چندجانبه دانست؛ به نحوی که هر کدام از این مراحل مقدمه و پله‌ای برای مرحله بعد بود. به همین دلیل، سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری در این دوره را سیری پلکانی می‌نامیم؛ سیری که متشکل از چرخه‌ای از اقدامات تک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه بوده و با تکمیل آن، استانداردها و عرف‌های بین‌المللی مالکیت فکری به نحو چشمگیری در قالب تریپس ارتقا یافتند.

بعد از تصویب تریپس مجدداً همان سیر و جریان قاعده‌سازی منتهی به تریپس آغاز شد. در شرایطی که کشورهای توسعه‌یافته استانداردهای حداقلی تریپس را از خواسته‌های خود دور و پایین‌تر می‌دیدند، با تمسک به فشارها و اقدامات تک‌جانبه، بستر را برای تنزل سطح مذاکرات به مذاکرات دوجانبه فراهم آوردند. در دوره زمانی بعد از تریپس، جامعه بین‌المللی علاوه بر مذاکرات دوجانبه، شاهد مذاکرات جمعی نیز بوده است. عملکرد این موافقت‌نامه‌ها در قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری با توجه به اصل رفتار ملت کامله‌الوداد که در ماده ۴ تریپس پیش‌بینی شده، به شدت تقویت می‌شود؛ زیرا کلیه امتیازها و حقوق فراتریپسی اعطایی در این موافقت‌نامه‌ها به تمام اعضای تریپس تسری می‌یابد و در نتیجه با افزایش تعداد این موافقت‌نامه‌ها و متعهدشدن

کشورهای در حال توسعه به استانداردهای فراتریپسی مذکور در این موافقت‌نامه‌ها در مقابل تمام اعضای سازمان جهانی تجارت، به تدریج سطح استانداردهای حقوق مالکیت فکری در عرصه بین‌المللی افزایش می‌یابد. بنابراین به نظر نگارندگان این نوشتار، سیر تاریخی قاعده‌سازی حقوق بین‌الملل مالکیت فکری نشان می‌دهد دوجانبه‌گرایی و جمعی‌گرایی عصر حاضر بیش از آن که اسباب دور شدن از چندجانبه‌گرایی و هماهنگ‌سازی را فراهم آورد، در حال مهیا کردن مقدمات ورود مجدد به آن است؛ امری که جامعه بین‌المللی در سیر قاعده‌سازی منتهی به تریپس نیز شاهد آن بود.

در مقایسه با سیر قاعده‌سازی منتهی به تریپس، بعد از تریپس نیز مرحله اقدامات و فشارهای تک‌جانبه وجود داشته و علاوه بر مذاکرات دوجانبه، شاهد مذاکرات جمعی در قاعده‌سازی و تدوین استانداردهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری هستیم. با این حساب، در دوره زمانی پس از تریپس، تنها مرحله باقیمانده از چرخه قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری، ارتقای مذاکرات به سطح چندجانبه است؛ رخدادی که خصوصاً با توجه به حاکمیت اصل رفتار ملت کامله‌الوداد، در درازمدت قابل پیش‌بینی است. در حال حاضر، وضعیت مناسبات بین‌المللی، بالا رفتن سطح استانداردهای حقوق مالکیت فکری را نشان می‌دهد. ضمن اینکه قاعده‌تأداتاً در این موافقت‌نامه‌های دوجانبه و جمعی، قرار نیست سطح استانداردهای حمایتی کاهش یابد و در این بسترها یا اساساً سخنی از حقوق مالکیت فکری به میان نمی‌آید که در این حالت اساساً این موافقت‌نامه‌ها تأثیری بر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری نخواهند داشت یا اگر هم سخنی به میان آید، محدود به حفظ منافع دول توسعه‌یافته و در راستای توسعه حمایت از حقوق مالکیت فکری است؛ بنابراین با عنایت به این که منشأ حرکت قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری ریشه در منافع و مواضع کشورهای توسعه‌یافته دارد، می‌توان انتظار توسعه سطح قاعده‌سازی به سطح چندجانبه را داشت؛ خصوصاً با عنایت به اینکه هم‌اکنون با توجه به دانش‌محور شدن اقتصادهای بزرگ، مسئله حمایت از حقوق مالکیت فکری حتی تبدیل به دغدغه‌ای برای کشورهای پیش‌تر سوسیالیستی گردیده است. با این حال، اینکه چه زمانی شاهد ارتقای مذاکرات به سطح چندجانبه خواهیم بود، بستگی به مسائل ژئوپولیتیک گوناگون دارد.



سخن آخر اینکه لازم است مذاکره‌کنندگان تجاری ایران با آگاهی کامل از چرخه و سیر قاعده‌سازی حقوق مالکیت فکری که عمدتاً در راستای منافع دول توسعه‌یافته و برخلاف مصالح کشورهای در حال توسعه مثل ایران است، وارد جریان مذاکرات شوند و در فرایند الحاق به مقررات مرتبط و پذیرش استانداردهای حمایتی مالکیت فکری، شرایط توسعه‌ای کشور را لحاظ نمایند. هرچند در عمل فرایند این مذاکرات به‌شدت تحت تأثیر روابط و ملاحظات سیاسی و قدرت چانه‌زنی برتر کشورهای توسعه‌یافته قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که گاهی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های آن کشورها نیست. از این رو حضور جدی و اثرگذار کشور در سازمان‌ها و موافقت‌نامه‌هایی با طرفیت کشورهای در حال توسعه توصیه می‌شود. به‌علاوه مشارکت در کمپین‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی (که اصولاً در قالب واپیو و سازمان ملل متحد انجام می‌شود) در راستای سنگین کردن کفه ترازو به نفع کشورهای در حال توسعه در زمینه مالکیت فکری قابل تأکید و توصیه به نظر می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. امیدبخش، اسفندیار؛ سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقتنامه‌ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
۲. لوفلد، اندریاس اف، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
۳. یی ژون، تیان، بازاندیشی در مالکیت فکری: اقتصاد سیاسی حمایت از کپی‌رایت در عصر دیجیتال، ترجمه سید قاسم زمانی و مناسادات میرزاده، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.

## مقاله

۴. عامری، فیصل، «جستاری پیرامون تریپس و برخی جنبه‌های اقتصادی آن: با ارجاع خاص به حق اختراع»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، ش ۲۳، ۱۳۸۶.
۵. جعفرزاده، میرقاسم و مرتضی اسدلو، «واگرایی بعد از همگرایی: تحول بین‌المللی نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری بعد از موافقت‌نامه تریپس»، مجله حقوق تطبیقی، ج ۱۳، ش ۲، ۱۳۹۶.

## رساله

۶. اسدلو فراهانلو، مرتضی، «رساله دکتری حمایت از حقوق مالکیت فکری در معاهدات سرمایه گذاری خارجی»، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۹۵.

## ب) منابع انگلیسی

## Articles

7. Agarwal, Pankhuri, "Impact of TPP on International, Regional, and Plurilateral Intellectual Property Norm Setting"; *Journal of Intellectual Property Rights*, 2017, Voll 22, pp 7-15.

8. Cottier, Tomas and Follea, Marina; "Global Governmance in Intellectual Property Protection: Does The Decision Making Forum Matter?" *WIPO Magazine*, 2012.
9. Cheng, Tai-Heng, Power, "Norms, and International Intellectual Property Law"; *Michigan Journal of International Law*, 2012, Volume 28, Issue 1.
10. Colling0-Chase, Charles T., "The Case Against TRIPS-Plus Protection in Developing Countries Facing Aids Epidemics"; *University of Pennsylvania Journal of International Law*, Vol.22, Issue 3, 2014, pp763-802.
11. Corea, Carelose M., "Bilateralism in International Property: Defeating the WTO System for Access to Medicine"; *Case Western Reserve Journal of International Law*, 2004, Volume 36, issue1.
12. Corea, Carlos M.; "Implication of Doha Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health", *World Health Organization*, 2002.
13. Dkediji, Ruth L., "The International Relations of Intellectual Property: Narratives of Developing Countries Participation in the Global Intellectual Property System"; *Singapore Journal of International Comparative Law*, 2003, pp315-383.
14. Drahose, Peter, "Bilateralism in Intellectual Property" *Queen Mary, Journal of World Intellectual Property*, 2001.
15. Drahose, Peter, "Developing Countries and International Intellectual Property Standard Setting"; *Journal of World Intellectual Property*, Volume 5, Issue 5, 2002, pp765-789.
16. Drahose, Peter, "Expanding Intellectual Property Empire: the Role ofulating Institutions Network, FTAs"; *Research School of Social Sciense*, 2003.
17. Geiger, Christophe, "Weakiening Multilateralism in Intellectual Property Lawmaking: A European Perspective on ACTA"; *WIPO Mgazine*, 2012, Issue 2.
18. Fremdling, Rainer and Growth, Groningen; "Historical Precedents of Global Markets", 1999.
19. Forman, Lisa and Macnaughton, Gillian, "Moving Theory into Practice: Human Rights Impact AssNT'LL. rEissment of Intellectual Property Rights in Trade Agreements"; *Journal of Human Rights Practice*, 2015, Vol 7.

20. Flynn, Sean M., Brook, Baker, Kamiskio, Margot and Koo, Jimmy, "The US Proposal for an Intellectual Property Chapter in Transpacific Partnership Agreement"; *M.U. I, journal*, 2012.
21. Lindstorm, Beatrice, Scaling Back TRIPS-Plus: "An Analysis of Intellectual Property Provision in Trade Agreements and Implications for Asia and the Pacific"; *International Law and Politics*, 2010, Vol 42 , p 917 .
22. Mayne, Ruth, "Regionalism, Bilateralism, and TRIPS Plus Agreements: The Threat TO Developing Countries"; *Human Report Office Report Office Report*, 2005.
23. Nakatomi, Michitaka, "Plurilateral Agreements: A Viable Alternative to the World Trade Organization?"; *Asian Development Bank Institute*, 2013.
24. You, Peter K., "Currents and Crosscurrents in international intellectual property Regime"; *Loyola of Los Angeles Law Review*, 2004, vol 38.
25. Sell, Susan K., "Trips Was Never Enough: Vertical Forum Shofting, FTAS, ACTA, and TPP"; *Journal of Intellectual Property Law*, 2011, Volume 18, Issue 2.
26. Silverman, Mathew E., "The Case for Flexible Intellectual Property Protections in The Transe-Pacific Partnership"; *Journal of Law and Health*, 2014.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## **The Process of Rule Making in International Intellectual Property Law (A Cycle of Unilateral, Bilateral, Collective and Multilateral Actions)**

**Amir NAZERI** (PhD Student of Oil and Gas Law, University of Tehran)  
**Mohammad Hadi MIR SHAMSI** (Assistant Professor of Law, Allameh Tabataba'i University)

### **Abstract**

International intellectual property rules are made over time and through confrontation and interaction between developed and developing countries in the form of bilateral and multilateral treaties. After Second World War and with the beginning of the independence movement of developing and less developed countries, the intellectual property rule making has been done through a cycle consist of unilateral, bilateral, collective and multilateral actions. This is a staircase process: Each of these actions is a prelude for the next step and developed countries, through unilateral economic pressures, at first forced developing countries to participate in intellectual property based bilateral negotiations, and then persuaded them to accept TRIPs. Afterwards due to developed countries dissatisfaction regarding TRIPs standards and by imposing unilateral pressure on developing countries, they committed to TRIPs-plus rules and standards in bilateral and collective commercial negotiations. Although some believe that after TRIPs, intellectual property rule making process may lead to multilateral measurements impediments, but considering the most favored nation treatment principle function, it is expected that with increase in the number of bilateral and collective agreements, TRIPs-plus standards will become an important part of international intellectual property. Therefore required provisions for raising the level of negotiations to multilateral negotiations in the forum of World Trade Organization or World Intellectual Property Organization and finally creating new TRIPs will be provided. In this situation and in order to protect the interests of the country in the best way, it is necessary for Iranian commercial negotiators to participate intellectual property negotiations intelligently and awared of the Country's development level and developed countries' goals.

### **Keywords:**

TRIPs Agreement, TRIPs-Plus Agreements, Unilateral Actions, Bilateral Negotiations, Collective Negotiations, Multilateral Negotiations, Most Favored Nation Treatment Principle



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی